

پژوهش در تاریخ، سال دوازدهم، شماره ۳۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

نگاهی به ماجرای تغییر الفبا در ترکیه

محمد شن^۱

چکیده

از اواخر قرن ۱۸ م. و پس از آن با ورود امپراتوری عثمانی به عصر تنظیمات، در کنار اجرای اصلاحات در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی، مباحثات زیادی نیز دربارهٔ این اصلاحات انجام شد. از جملهٔ مناقشه‌برانگیزترین این اصلاحات، مسئلهٔ اصلاح یا تغییر الفبا بود که بحث بر سر آن تا اکنون نیز ادامه دارد. پژوهش حاضر با بررسی سیر تغییر الفبا در ترکیه از اواخر عصر عثمانی تا اوایل جمهوریت، به دنبال آن است تا ضمن ارائهٔ تاریخچهٔ این بحث، عوامل مهم و تأثیرگذار تغییر الفبا در ترکیه را مشخص نماید. بر اساس این پژوهش، نخبگان عثمانی از اواسط قرن ۱۹ م. به لزوم تغییر الفبا پی برده و همواره مباحثاتی دربارهٔ آن در جریان بود. با الغای سلطنت عثمانی و تأسیس جمهوریت ترکیه، بحث تغییر الفبا بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و مشخصاً از سوی رئیس‌جمهور ترکیه پیگیری شد و در تاریخ ۱ نوامبر ۱۹۲۸ با تصویب «قانون دربارهٔ قبول و تطبیق حروف ترکی» انقلاب حرف در ترکیه به وقوع پیوست. واژگان کلیدی: اصلاحات، تغییر الفبا، ترکیه، عثمانی، آتاترک

۱. دانشجوی دکترای تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه تهران:

مقدمه

مسئله اصلاح یا تغییر الفبا در ترکیه در نتیجه تکاپوهای تجددخواهانه‌ای که از اواخر قرن ۱۸م. شروع شده بود به وجود آمده است. این روند در دوره تنظیمات شتاب بیشتری پیدا کرد و می‌توان گفت که امروز نیز با فراز و فرودهایی ادامه دارد. نخبگان عثمانی یکی از مهم‌ترین موانع در راه تجدد را جهالت مردم دانسته و مدت زمان زیادی نگذشته بود که تمام گناه این جهالت را متوجه الفبای مورد استفاده خود کردند. جدای از ایراداتی که به الفبای مورد استفاده در عثمانی وارد است، باید به این نکته هم اشاره کرد که در بروز این فکر، سیر روزافزون نفوذ تمدن غرب نیز سهم مهمی داشت. حل این مسئله به راحتی امکان‌پذیر نبود، چرا که ترک‌ها حدود هزار سال با همین الفبا آثار خود را نوشته بودند و الفبای عربی بخش مهمی از هویت‌شان را تشکیل می‌داد. با وجود این، مباحثات بر سر لزوم تغییر یا اصلاح الفبا و چگونگی آن، موضوعی بود که امپراتوری عثمانی تا روزهای آخر حیاتش بدان دچار شده بود. تا کنون در زبان فارسی پژوهشی مستقل در این مورد انجام نشده است؛ از این رو تلاش می‌شود تا در قالب این مقاله، پیشینه فکر تغییر الفبا و مهم‌ترین ابعاد آن مورد بررسی قرار گیرد.

عصر تنظیمات

در سال ۱۸۳۹م. و با اعلام «فرمان تنظیمات» که «خط همایون گلخانه» نیز نامیده می‌شد، دولت عثمانی دیگر به طور رسمی پذیرفته بود که برای حل مشکلات به اصلاحات جدی نیاز است. از آن پس نخبگان رو به غرب کردند و می‌توان گفت که امروز نیز این رویکرد ادامه دارد. از دوره تنظیمات به بعد، تمدن غربی هم به شکل مادی و هم به شکل معنوی در امپراتوری عثمانی نفوذ کرد که الفبای لاتینی هم از این امر مستثنا نبود. دیگر مردم عادی در دفاتر پستی، بنادر، روزنامه‌ها، اجناس غربی و... این حروف را می‌دیدند. با مرور زمان، نخبگان با اروپا آشنایی بیشتری پیدا کردند و توانستند مردم جامعه خود و کشورشان را با مردم و کشور «کفار» مقایسه کنند. خیلی از آن‌ها دلیل عقب ماندگی کشور خود در مقابل اروپای پیشرفته را جهالت مردم دانسته و زمان زیادی برای پیدا کردن مسبب این جهالت صرف نکردند؛ این مجرم خط و الفبا بود (Şimsir, ۲۰۰۸: ۱۸, ۱۹). پس از آن بود که این مسئله به تدریج در روزنامه‌ها انعکاس یافت. یکی از پیشگامان این راه منیف افندی بود. وی در ۱۲ می ۱۸۶۲م. در جمعیت علمیه عثمانیه که خودش بنیانگذار

آن بود طی سخنرانی‌ای از نامناسب بودن الفبای عربی برای نوشتن زبان ترکی انتقاد کرد. انتقاد عمده او به الفبای عربی، عدم وجود حروف صدادار، عدم وجود حروف بزرگ، امکان خواندن یک واژه به چند شکل و سختی در خواندن واژه‌های نامعلوم بود. به نظر وی در الفباهای اروپایی مشکلاتی از این نوع وجود نداشت و به همین دلیل مردم از کودکان گرفته تا مستخدم‌ها می‌توانستند به آسانی نوشتن و خواندن را یاد بگیرند. در حالی که در عثمانی توده‌های مردم به دلیل سخت بودن خط از آموزش محروم می‌ماندند. از طرف دیگر منیف افندی معتقد بود که الفبای عربی بر فضای نشر نیز تأثیرات منفی داشت. (Duran, ۱۹۸۶: ۸۱۶) به نظر وی ملت‌های دیگر آثارشان را با استفاده از ۳۰-۴۰ حرف به چاپ می‌رساندند اما در آثاری که با الفبای عربی منتشر می‌شد باید سه برابر این حروف مورد استفاده قرار گرفت و این نیز موجب کاهش تعداد کتب منتشر شده می‌شد. این مشکل در نهایت تعمیم آموزش را با مشکلات بزرگی مواجه می‌کرد. (Inceoglu, ۲۰۰۸: ۱۲)

منیف افندی به دلیل این مشکلات، خواهان اصلاحاتی بود. او برای اصلاحات، دو راه پیشنهاد کرده بود. راه اول اضافه کردن نشانه‌ها بر پایین و بالای حروف بود. هدف از این کار، آسان کردن خواندن کلمات بود. درست است که این کار، خواندن متن را آسان می‌کرد اما در عین حال نوشتن را نیز بیش از پیش سخت می‌کرد. علاوه بر این، حروف عربی در اول، وسط و انتهای کلمه متفاوت نوشته می‌شد و این نیز مسئله بزرگ دیگری در کار چاپ و نشر بود. پیشنهاد دوم منیف افندی نوشتن حروف به شکل جداگانه طبق خط لاتینی بود که او این خط را «حروف منفصله» نامید. به نظر وی با این روش در مدت کوتاه می‌شد آثار زیادی منتشر شود و انبوه مردم نیز در مدتی کوتاه نوشتن و خواندن را یاد خواهند گرفت. (Şimşir, ۲۰۰۸: ۲۱)

۱۴ ماه بعد از سخنرانی منیف افندی در جمعیت علمیه عثمانیه، میرزا فتحعلی آخوندزاده از تفلیس به استانبول آمده و حروفی که بر مبنای حروف عربی و به قصد رفع مشکلات خط مسلمانان اختراع کرده بود را به باب عالی تقدیم کرد. مقام صدارت وظیفه بررسی پیشنهادهای آخوندزاده را به جمعیت علمیه عثمانیه سپرد. جمعیت برای تدقیق و تحقیق این موضوع دو جلسه برگزار کرده و در یکی از این‌ها خود آخوندزاده نیز حضور داشت. او در جلسه چنین گفته بود که حروف عربی که در بین مسلمانان مورد استفاده قرار می‌گیرد با وضعیت فعلی‌شان برای خواندن و نوشتن مناسب نیستند؛ چرا که هر واژه امکان خوانده شدن به چند شکل را دارد و این نیز سبب کمبود

پرورش اهالی آموزش دیده می‌شود. وی ادعا می‌کرد حروفی که از طرف خودش آماده شده بود هم در رفع مشکلات آموزشی و هم در رفع مشکلات نشریات تاثیرات مهمی خواهد داشت. (Berkes, ۲۰۱۲: ۲۶۴, ۲۶۵) وی علاوه بر این‌ها، بر این نظر بود که اصلاح خط، امری متعلق به امور دینی نبود چون خط عربی بعد از اسلام چندین بار دگرگونی یافته بود و به همین دلیل از لحاظ شرعی ایرادی متوجه این کار نیست. مذاکرات وی با جمعیت بر سه محور انجام شد:

۱. آیا حروف مورد استفاده نیاز به اصلاح و اکمال دارد؟

۲. آیا حروف ایجاد شده توسط آخوندزاده در برآورده کردن انتظارات موفق بوده است؟

۳. آیا اتخاذ و تعمیم اصلاحات مورد نظر امکان‌پذیر است؟

در نتیجه مذاکرات در مورد اینکه نیاز به اصلاح الفبا نیازی جدی است، بین مذاکره‌کنندگان اتفاق نظر حاصل شد و حروفی که آخوندزاده «اختراع و متعادل» کرده بود با حسن استقبال مواجه شد. اما حروف آخوندزاده به دلیل اینکه باعث فراموش شدن آثار قدیمی شده و مشکلات بزرگی در به کار بردن آن پیش می‌آمد، از طرف جمعیت مورد قبول قرار نگرفت (Tansel, ۱۹۵۳: ۲۲۵, ۲۲۶) و به آخوندزاده به خاطر کوشش‌هایی که در این راه داشت یک قطعه نشان مجیدیه تقدیم شد. آخوندزاده مدت کوتاهی بعد از بازگشت به تفلیس، الفبای جدیدی بر مبنای حروف لاتینی آماده کرد و به صدراعظم عثمانی عالی پاشا فرستاد ولی این مورد نیز از طرف دولت عثمانی مورد قبول قرار نگرفت. (Simşir, ۲۰۰۸: ۲۱)

چندی بعد، نامق کمال، معروف به شاعر وطن که یکی از تاثیرگذارترین اندیشمندان زمان خود بود، در روزنامه حزیت به تاریخ ۲۵ ربیع الاول ۱۲۸۶ق. به موضوع آموزش و به طور غیرمستقیم الفبا پرداخت:

«... بچه‌های ما در سن ۵-۶ [سالگی] به مکتب محله سپرده می‌شوند و بعد از آن هر دو سه سال یک بار قرآن را ختم می‌کنند و چند سال نیز این ختم با تجوید تکرار می‌شود و پنج‌شش سال با نسخ و ثلث نیز مشغول می‌شوند اما اگر به دستشان یک روزنامه داده شود، نمی‌توانند بخوانند. بچه به یک طرف، حتی در بین معلم‌هایی که به آن‌ها درس می‌دهند فقط پنج درصدشان توانایی خواندن روزنامه و تذکره و نوشتن چند سطر نامه و تذکره را دارند. اما اطفال یهود و روم بعد از شش ماه ورود به مکتب محله شروع می‌کنند به خواندن روزنامه و نامه به زبان خود و بعد از یک سال خودشان می‌توانند نامه بنویسند. در سال دوم از مقدمات حسابیه و در سال

سوم چیزهای خُرد ضروری را از جغرافی یاد می‌گیرند. فی الحال آیا بچه‌های ما از لحاظ فطرت، نقصانی دارند که مانند آن‌ها نمی‌توانند تحصیل فواید کنند؟ نه! خیر، ایراد از بچه‌ها نیست، ایراد در نحوه آموزش است.» (Tansel, ۱۹۵۳: ۲۲۷)

بعد از نشر مقاله نامق کمال، میرزا ملکم خان که در آن زمان در استانبول حضور داشت به عنوان جواب وی مقاله‌ای برای روزنامه حُریت به تاریخ ۴ ربیع‌الثانی ۱۲۸۶ ق. فرستاد که این جواب نیز در تاریخ ۳۰ ربیع‌الثانی ۱۲۸۶ ق. در همین روزنامه منتشر شد:

«... یک کلمه نقص و قصور تعلیم و تربیت اطفال مسلمین از سبب الفباست. بی‌خبری و محرومی ملت اسلام از ترقیات حاضره از عیب الفباست. ضعف و ناتوانی و مسکنت اسلامیان از عیب الفباست. نایابی حقوق آزاد ملت و عدم امنیت جان و عرض و مال عیب الفباست. خرابی راه‌ها و کثرت جور و ستم، قلت عدل و انصاف در میان مسلمانان از عیب الفباست. یک کلمه وجود هزار قسم مکروهات از عیب الفباست...» (Tansel, ۱۹۵۳: ۲۲۹-۲۳۰, Şimşir, ۲۰۰۸: ۲۴)

به نظر ملکم خان بزرگترین و اصلی‌ترین سبب مشکلات در آموزش که نامق کمال به آن‌ها اشاره کرده بود، حروف و الفبای عربی بود. به این دلیل تنها چاره، تغییر همان حروف بود. میرزا ملکم خان علاوه بر این‌ها از قبول نشدن پیشنهاد میرزا فتحعلی آخوندزاده به دلیل تعصب نیز شکایت می‌کرد. مدت زیادی نگذشته بود که جواب نامق کمال به میرزا ملکم خان نیز در ۱۵ جمادی الاول ۱۲۸۶ ق. در همین روزنامه منتشر شد:

«... علت اصلی مشکلات متنوع مملکت ما نبود آگاهی است. اما نمی‌توانیم این را به گردن بی‌کفایتی حروفمان بیندازیم ... یک شاهد داریم که اثبات‌کننده ادعای ماست، هر حرف زبان انگلیسی را می‌توان چهار یا پنج نوع خواند و علاوه بر این‌ها در خیلی از واژه‌هایشان حروف نخوانده و صدای متغیر وجود دارد ... وقتی که حال این گونه است مگر در انگلستان و آمریکا چند نفر می‌توان پیدا کرد که نتوانند بخوانند و بنویسند... اعراب در گذشته سرزمین‌های خود را دارالفنون (در معنای مراکز علمی) دنیا کردند، آن وقت نیز از همین حروف استفاده می‌کردند. حاصل کلام، ما می‌خواهیم بگوییم که ما اساساً در فکر تغییر حروفمان نیستیم اما صمیمانه طرفدار اصلاح آن هستیم.»

نامق کمال در این نوشته خود نمونه‌های مفصلی ارائه می‌دهد تا نشان دهد که به اصلاح حروف نیاز است نه تغییر حروف. (Tansel, ۱۹۵۳: ۲۳۳, ۲۳۲)

مسئله تلگراف

در اینجا نیاز است به موضوع تلگراف اشاره شود. شاید بتوان گفت که استفاده از حروف لاتینی در زبان ترکی به طور رسمی و نسبتاً سیستماتیک از زمان کاربرد تلگراف آغاز شده است. آشنایی عثمانیان با تلگراف به زمان جنگ عثمانی و روس ۱۸۲۸-۱۸۲۹ م. باز می‌گردد. (Davison, ۲۰۰۴: ۱۹۳، ۱۹۴) تا تاریخ ۱۸ اوت ۱۸۵۵ م. زبان مخابره تلگرافی در عثمانی، فرانسوی بود. در تاریخ مذکور مصطفی افندی اولین بار الفبای ترکی تلگرافی را اختراع کرد و اولین تلگراف به زبان ترکی را از ادرنه به پایتخت فرستاد. باید به این نکته اشاره کرد که حروف استفاده شده در این تلگراف، حروف لاتینی بودند (Unat, ۱۹۵۳: ۷۲۲) ولی این مورد هرچقدر هم که یک استثنا بوده باشد اما به دلیل اینکه برای اولین بار از سوی مقامات دولتی، کلمات ترکی با حروف لاتینی نوشته شدند، دارای اهمیت است.

عصر مشروطیت

در دوره مشروطیت نیز مجادلات و درگیری‌ها بر سر الفبا ادامه داشت و حتی تشدید شد. با شروع مشروطیت دوم، دولت در خصوص پیشرفت و تعمیم آموزش اقداماتی انجام داد و مسئله الفبا نیز در این چارچوب یکی از کانون‌های بحث بود. (Berkes, ۲۰۱۲: ۴۵۳، ۴۵۴) از این منظر، انجمن و کمیسیون‌های رسمی، غیررسمی و شبه‌رسمی همچون کمیسیون املا در سال ۱۹۰۹ م.، جمعیت اصلاح حروف در سال ۱۹۱۱ م. و انجمن اصلاح حروف در سال ۱۹۱۲ م. احداث شده است. در این دوره نیز صاحب‌نظران بیشتر طرفدار اصلاح حروف عربی بودند اما این اصلاح‌گران نیز بین خودشان به چند گروه تقسیم می‌شدند. در طرف دیگر طرفداران حروف لاتینی بودند که تعدادشان کمتر بود. (Şimşir, ۲۰۰۸: ۴۵)

خیلی از اصلاح‌گران درباره جدانویسی حروف عربی هم‌نظر بودند که به آن‌ها «حروف منفصله‌جی‌ها» گفته می‌شد. (Çatalbaş, ۲۰۱۴: ۱۰۷) اسامی برجسته این گروه عبارت بودند از: میل‌اسلی اسماعیل حقی، نجم‌الدین عارف، جهانگیرلی شناسی، اسماعیل حقی بالتاجی‌اوغلو و نجیب عاصم. بعضی اصلاح‌گران برای خواندن درست واژه‌ها پیشنهاد کرده بودند که در بالا و زیر حروف از نشانه‌ها استفاده شود و بعضی از آن‌ها مانند اسماعیل حقی میل‌اسلی و اسماعیل

حقى بالتاجى اوغلو استفاده از حروف صدا دار را پيشنهاده کردند. بنا بر اين پيشنهاده واژه «گلدَم» که معنى «آدم» را داشت به صورت «گ ه ل د ي م» نوشته مى شد. به نظر منسوبان اين گروه در اين صورت ديگر مشکل حروف عربى از بين مى رفت و نيازى به تغيير خط نيز نبود. (Simşir, ۲۰۰۸: ۴۴-۴۶)

در طرف ديگر، طرفداران حروف لاتينى بودند که تعدادشان کم و صدايشان نيز نسبتاً کم آواز بود. در اين دوره دولت اتحاد و ترقى نيز با حروف لاتينى مخالفت داشت و حتى دولت به اقدامات آلبانى ها در خصوص استفاده از حروف لاتينى واکنش شديدى نشان داده بود. (Simşir, ۲۰۰۸: ۴۱) در اين مورد يک روزنامه نگار معروف به اسم حسين جاهد در ۲۰ ژنويه ۱۹۱۰ م. در روزنامه طنين آراى خود را اين گونه بيان کرد:

«... حروفى که ما اکنون استفاده مى کنيم اصلاً با موضوع هاى مسلماني و ترکى ارتباطى ندارد. ترک ها قبل از خط خودشان را به کنار گذاشتند و حروف عربى را استفاده کردند. اين حروف عربى نيز در زمان پيغمبر مورد استفاده قرار نيمى گرفت. با اين حال آلبانى ها در خصوص به کار گرفتن حروف مورد نيازشان بايد آزاد باشند و نبايد جلو آن ها را گرفت. اگر آن ها حروف لاتينى را به کار بگيرند در کوتاه مدت نوشتن و خواندن را ياد خواهند گرفت و حتى ما نيز از آن ها عقب خواهيم ماند. به اين دليل مانع شدن آن ها که هيچ، ما نيز بايد حروف لاتينى را به کار بگيريم.» (Cahid, ۱۳۳۶: ۱) مى توان گفت که حسين جاهد با اين بياناتش کار جسورانه اى انجام داد و در زماني حتى در مقابل حکومت اتحاد و ترقى از حروف لاتينى سخت دفاع کرد. وي اصرارش بر الفباى لاتينى را تا سال ۱۹۲۸ م. که الفباى لاتينى مورد پذيرش قرار گرفت، ادامه داده و از اين منظر مى توان گفت که وي از محدود کسانى بود که پافشارى بر نظر خود را حفظ کرده بود. عبدالله جودت و جلال نورى ديگر اسامى برجسته طرفداران حروف لاتينى بودند که به مناسب نبودن حروف عربى براى نوشتن زبان ترکى تأکيد مى کردند. از فايده خالى نيست که اشاره شود عبدالله جودت بعدها يکى از غرب گرايان افراطى و جلال نورى نيز از چهره هاى شاخص ترک گرایی به حساب مى آمدند. (Tansu, ۲۰۱۸: ۱۲۶, ۱۲۵)

کسانى نيز بودند که با هر گونه تغيير يا اصلاح در الفبا مخالفت مى کردند. نجيب عاصم را مى توان در اين گروه جاى داد. نجيب عاصم در يکى از نوشته هايش در مجله معلومات که خودش سردبير آن بود مخالفت خود را با تغيير الفبا بدین گونه بيان کرد: «... درست است که

القبای ما مشکلاتی دارد، اما القبای بدون مشکل در کجای دنیا وجود دارد؟ در دنیا هیچ کس چیزی که آن را شناخته و بدان عادت کرده باشد را به کنار نمی‌گذارد حتی اگر بد باشد. علاوه بر همه اینها، این القبا، القبای همهٔ مسلمان‌هاست که زبان‌شان متنوع است. تغییر این القبا که نشانهٔ اتحاد مسلمانان است اصلاً مصلحت نیست.» (Asım, ۱۳۱۲: ۱۶۱, ۱۶۲; Şimşir, ۲۰۰۸: ۲۹)

خط انور پاشا

وزیر جنگ و ستارهٔ درخشان وقت، انور پاشا پیشنهاد اسماعیل حقی میلاسی که مبتنی بر اصول جدا و استفاده از حروف صدا دار بود را پسندید و به دنبال آن بود که القبای اصلاح‌شده را در ارتش به کار بندد. انور پاشا قبل از شروع جنگ جهانی اول این خط اصلاح‌شده را با استفاده از قدرت و حاکمیت خود در ارتش در مدتی کوتاه وارد کرد. (Karakuş, ۲۰۰۸: ۳۶) این حروف با نام‌های «خط جدید»، «القبای اردو» و «خط انور پاشا» خوانده می‌شدند. همهٔ نامه‌نگاری‌ها و دستورات در ارتش با این خط نوشته می‌شد و علاوه بر این، رساله‌های مربوط به موضوعات نظامی نیز با این خط چاپ می‌شد. اما از آغاز کار، این خط جدید خصوصاً از طرف افسرهایی که در ایلات قرار داشتند مورد استقبال قرار نگرفته بود؛ در نتیجه این اقدام اصلاحی از بالا به پایین چندان دوام نیاورد. به‌ویژه با شروع جنگ جهانی اول خط انوری امور مخابره را دچار بحران کرد. فالح رفقی آتای از روشنفکران اواخر عصر امپراتوری و اوایل جمهوریت که در جنگ جهانی اول در جبهه حضور داشت، وضعیت خط انوری را اینگونه بیان می‌کند: «... همهٔ فرمانده‌های بلندمرتبه به بی‌سواد تبدیل شدند. دستوراتی که با آن خط غریبه به فرمانده‌ها می‌آمد به مدت ساعت‌ها در اتاق‌های قلم به «ترکی» ترجمه می‌شد و بعد به مخاطبان داده می‌شد. در نتیجه، عمر این خط انوری بیشتر از دو سال دوام نیاورد و قبل از ایجادکننده‌اش به خاک غفران و نسیان دفن شد.» (Atay, ۱۹۵۳: ۷۱۹) این اقدام که اولین تلاش جدی دولتی در خصوص تغییر خط بود، به دلیل شرایط جنگی ناموفق شد.

دورهٔ جمهوریت

در نتیجهٔ جنگ جهانی اول، امپراتوری‌های عثمانی و روسیه از بین رفته و در هر دو کشور

حکومت‌های انقلابی بر سر کار آمدند. اولین بار در سال ۱۹۱۸ م. یاقوت‌ها^۱ الفبای لاتینی را گرفتند و بعد از آن‌ها آذربایجان شوروی نیز در سال ۱۹۲۲ م. الفبای لاتینی را به‌طور رسمی قبول کرد. این اقدامات در ترکیه که تازه از زنجیره جنگ‌های طولانی مدت خلاص شده بود، مجدداً بازار مباحثه بر سر الفبا را گرم کرد. در واقع، هیچ وقت بحث بر سر الفبا تمام نشده بود اما اشغال ترکیه در نتیجه جنگ جهانی اول و در پی آن جنگ‌های استقلال به رهبری مصطفی کمال پاشا این موضوع را برای مدت کوتاه کم‌رنگ کرده بود. (Şimşir, ۲۰۰۸: ۵۵)

برای ما مشخص است که حداقل در سال ۱۹۱۹ م. در هین جنگ استقلال موضوع تغییر الفبا و پذیرش الفبای لاتینی از سوی مصطفی کمال پاشا به‌طور تلویحی مورد اشاره قرار گرفته بود. در ۱۲ سپتامبر ۱۹۲۲ م. یعنی روز بیرون راندن آخرین نیروهای یونانی و زمانی که خود مصطفی کمال پاشا در شهر ازمیر حضور داشت، جلال نوری روزنامه‌نگار که از طرفداران قدیمی الفبای لاتینی بود از او پرسید: «چرا الفبای لاتینی را نمی‌گیریم؟» و مصطفی کمال پاشا به این پرسش این‌گونه پاسخ داد که: «هنوز وقتش نیامده است.» (Atay, ۱۹۵۳: ۷۱۹) بعد از این مصاحبه تا سال ۱۹۲۸ م. از آتاترک بیانییه یا اظهار نظر رسمی در این مورد نمی‌بینیم. البته مهم‌ترین دلیل در این مورد، مساعد نبودن شرایط جامعه بود؛ چرا که در اوایل تأسیس جمهوریت، آتاترک مدام به دشمنی با دین اسلام متهم می‌شد پس طبیعی بود که وی در اوایل کار خود نمی‌خواست که بهانه‌ای به دست مخالفانش بدهد. اگر روند پذیرش الفبای لاتینی را مورد نظر قرار دهیم خواهیم دید که برای انقلاب حروف نیاز بود تا زمینه‌های آن فراهم شود. در سال ۱۹۲۲ م. نیروهای اشغالگر دفع شده و سلطنت ملغی شده بود. در ۱۹۲۳ م. جمهوریت اعلام شده و یک سال بعد خلافت ملغی شد. در سال ۱۹۲۵ م. شورش‌های داخلی سرکوب شد، حزب «ترقی پرور» بسته شد و این حزب به کانون مخالفان آتاترک و انقلاب‌های وی تبدیل شد. پس از این‌ها در سال ۱۹۲۶ م. قوانینی همچون قانون کشف حجاب، بسته شدن خانقاه و تکیه‌ها، قانون تقویم، پذیرش ارقام بین‌المللی و... آمده و در نهایت در سال ۱۹۲۸ م. «انقلاب حرف» توانست به وقوع پیوندد. (Şimşir, ۲۰۰۸: ۵۶، ۵۷) از این رو بیانات کاظم قره‌بکر پاشا که یکی از قدرتمندترین اشخاص و از نزدیکان آتاترک بود و با هویت محافظه‌کارانه‌اش شناخته می‌شد، جالب توجه است. در کنگره اقتصاد که در شهر ازمیر بین ۱۷ فوریه و ۴ مارس ۱۹۲۳ م. برگزار شده بود، نظمی ازمیری از نماینده‌های ازمیر

۱. قومی ترک در روسیه

به کنگره پیشنهاد «قبول حروف لاتینی» داد. رئیس کنگره، کاظم قره‌بکر پاشا به این پیشنهاد واکنش شدیدی نشان داد و حتی اجازه خواندن پیشنهاد در کنگره را نیز نداد (Kayiran, ۲۰۱۹: ۵۲) و در ۵ مارس به روزنامه حاکمیت ملیه این بیانیه را داد:

«این فکر زمانی در اروپا شروع شد. می‌گفتند که حروف اسلامی برای ما کافی نیست، بنابر این باید با حروف لاتینی تعویض شوند. بعضی دوستان در آنجا مروج همین فکر بودند. اما در نهایت فهمیدند که این چیزی جز فلاکت نیست و پشیمان شدند. قوم آلبانی نیز دیر فهمید. متأسفانه عرض می‌کنم که دوستان آذربایجانی ما نیز امروز دچار همین فلاکت هستند ...

ما گفتیم که این خطر بزرگی است و تعویض این حروف امروز بر ۳۵۰ میلیون مسلمان تأثیر خواهد گذاشت ... دوستان، امروز اگر با یک خارجی گفت‌وگو کنید اولین سخنی که از آن‌ها می‌شنوید این‌ها می‌باشد «ترکی زبانی به غایت زیباست اما حروفش بد است» ... امروز مشاهده می‌کنیم که نیرویی وجود دارد که این نیرو در تمام جهان این تبلیغات را به پیش می‌برد: «خط ترکی سخت است، خوانده نمی‌شود». بنده خودم نیز با این موضوع درگیر بودم ... روزی که خط لاتینی قبول شود، مملکت به هرج و مرج می‌افتد. صرف نظر از همه چیز، این در حالی است که کتاب‌های مقدس ما، تاریخ ما و هزاران جلد آثار ما که به همین زبان نوشته شده است در کتابخانه‌های ما هست. اگر حروف لاتینی را قبول کنیم، در همان روز به دست اروپایی‌ها اسلحه‌ای می‌دهیم که آن‌ها در آن وقت به عالم اسلام خواهند گفت که ترک‌ها خط اجنبی را قبول کردند و مسیحی شدند، این همان فکر شیطانی است که دشمنان ما بر روی آن کار می‌کنند. بعد باید گفت که هیچ حروف لاتینی نیست که زبان ما را ترمیم کند. اکنون حروف فرانسوی این قدر درهم و برهم است که قابلیت سازگاری با زبان ما را ندارد. این مسئله به طور دقیق بررسی شده است؛ بنابراین خواهش می‌کنم که این موضوع مضر را که ضررش به یک قوم اسلامی رسیده را رها کنیم. اجازه ندهیم که چنین افکاری به درون مملکت ما راه یابد...» (Hakimiyet-i Milliye, ۱۹۲۳/۰۳/۰۵: ۲)

موضوع پذیرش حروف لاتینی، اولین بار بعد از اعلام جمهوریت در ۲۴ فوریه ۱۹۲۴ م. در مجلس از طرف نماینده شهر از میر شکری ساراچاگلو و هنگام مذاکرات بودجه وزارت آموزش مورد بحث قرار گرفت. وی از فواید قبول حروف لاتینی سخن گفت و چنین بیان کرد که: «در این مملکت فداکاری‌های بزرگی انجام شد اما مشاهده می‌شود که مردم این مملکت نتوانستند خواندن و

نوشتن را یاد بگیرد. به نظر من نمی‌توان گفت که سبب این وضعیت روش است، نه بلکه علت اصلی خود حروف است.» (TBMMZC, D, ۲, ۱۹۲۴: ۳۳۵) با این حال برای اولین بار بود که مسئله الفبا در مجلس مورد بحث قرار می‌گرفت.

در این هنگام مانند دوره مشروطیت دو گروه برجسته وجود داشت، طرفداران الفبای لاتینی و اصلاح‌گران. در سال ۱۹۲۴ م. کتابی از طرف علی سیدی انتشار یافت که وی در این کتاب به فکر پذیرش حروف لاتینی حمله کرده و حروف لاتینی را برای زبان ترکی مناسب نمی‌دانست و پذیرش این الفبا را به مثابه کلاه‌برداری و بر ضد غرور ملی ارزیابی می‌کرد. (Seydi, ۱۹۲۴: ۳۲) حسین جاهد نیز در پاسخ به علی سیدی پذیرش حروف لاتینی را تنها راه خلاصی از جهالت می‌دانست. در این راستا مناظرات و گفتگوها بر سر مسئله حروف ادامه پیدا کرد. در روزنامه‌ها صاحب‌نظران به آراء خود می‌پرداختند و در عین حال نظرسنجی‌هایی نیز در این مورد توسط مجلات و روزنامه‌ها انجام می‌شد. ولی باید گفت که در این هنگام طرفداران الفبای لاتینی نسبت به مخالفانش کمتر بود. (Şimşir, ۲۰۰۸: ۶۱, ۶۲) اسامی مانند محمد فؤاد کوپرولو و ذکی ولیدی طوغان مخالفت خود را با قبول حروف لاتینی نشان می‌دادند. (Kale, ۱۹۹۹: ۸۲۰, ۸۲۱) جالب است که در این زمان آتاترک در مورد این موضوع حداقل به صورت آشکار اظهار نظر نمی‌کرد ولی با اظهار نظرهای اعضای کابینه‌اش افکار عمومی کم‌کم با دیدگاه وی آشنا شدند. در سال ۱۹۲۶ م. و در هنگام مذاکرات قانون معارف، وزیر معارف مصطفی نجاتی بیگ در سخنرانی خود به موضوع الفبا اشاره کرد و گفته بود که در واقع این یک مسئله سیاسی است و تصمیم از طرف دولت گرفته خواهد شد. (Unat, ۱۹۵۳: ۷۲۶) این بیانیه مصطفی نجاتی بیگ صراحتاً نشان می‌داد که اگر قرار باشد این اتفاق بیفتد فقط می‌تواند با قدرت دولت و در نتیجه اراده سیاسی به وقوع پیوندد. همچنین در این مذاکرات برای بررسی مسائل آموزش و حروف تصمیم گرفته شد که کمیسیونی به نام هیئت زبان احداث شود. در ادامه و در ۲۰ مه ۱۹۲۸ م. با پیشنهاد آتاترک کمیسیون الفبا تشکیل شد و اولین جلسه‌اش را در ۲۶ ژوئن به ریاست آتاترک برگزار کرد. دیگر مسئله اصلاح مطرح نبود و مسئله کنونی تطبیق الفبای لاتینی با زبان ترکی بود؛ پس کمیسیون موظف شد تا گزارشی ناظر به این مسئله آماده کند. کمیسیون تقریباً دو ماه بعد، گزارش مورد نظر و جدول حروف را به آتاترک ارائه کرد و در نهایت با بعضی ویرایش‌ها الفبای جدید ترکی متشکل از ۲۱ حرف بی‌صدا و ۸ حرف صدا دار آماده شده بود. (Şimşir, ۲۰۰۸: ۸۸, ۸۹) البته نتیجه کارهای این کمیسیون از افکار عمومی

پنهان مانده بود. پیش از این هم اشاره شد که افکار عمومی و بسیاری از روشنفکران و صاحبان قدرت موافق پذیرش حروف لاتینی نبودند. برای آماده کردن افکار عمومی به قبول حروف لاتینی اولاً در ۱ ژوئن ۱۹۲۸ م. قانون قبول ارقام بین‌المللی در مجلس تصویب شد. در هنگام مذاکرات قانون ارقام بین‌المللی، نماینده شهر بدلیس محی‌الدین نامی در کرسی مجلس این سؤال را مطرح کرد: «این ارقام بین‌المللی یک چیز کوچک است، اصل مسئله این است که من از حکومت می‌پرسم، ما کی حروف بین‌المللی را قبول خواهیم کرد که برای ترقی در حوزه فن، اقتصاد، علم و مدنیت اجتناب‌ناپذیر است؟» (Öztürk, ۱۹۹۵: ۹۵-۱۰۰)

بعد از تصویب قانون قبول ارقام بین‌المللی دیگر معلوم بود که نوبت به الفبا رسیده است و این اقدامات جمهوریّت جوان در عرصه بین‌المللی نیز ادامه می‌یافت. از این منظر گزارش سفیر بریتانیا در ترکیه، سر جورج کلرک^۱ به لندن جالب است: «...همان‌طور که مطلع شدم، قرار است تغییر الفبا به تدریج و در مدت ۵ سال اجرایی شود و خط قدیمی در این پنج سال تدریجاً ترک خواهد شد. ترک‌های کهنه‌اندیش و مرتجع حتماً از این کار خشنود نیستند. این خط برای آن‌ها خط قرآن است و در طول تاریخ از این خط استفاده کرده‌اند. اما در ترکیه در مساجد دعا به زبان ترکی انجام می‌شود، ترجمه‌های ترکی قرآن در همه جا به فروش می‌رسد. علاوه بر این‌ها اکنون در ترکیه امور دولت و امور دین از یکدیگر جدا شده و اهمیت دین نسبتاً کاهش پیدا کرده است. بنابراین تغییر الفبا به لاتینی نسبتاً امر کوچکی خواهد بود. از لحاظ تکنیکی این تغییر بجاست چون الفبای عربی برای نوشتن زبان ترکی مناسب نیست، عدم وجود حروف صدادار و مسئله نقطه‌ها برای دانش‌آموزان دشواری‌هایی را به وجود می‌آورد. به نظرم بچه‌های ترک این خط را به آسانی یاد خواهند گرفت.» (Şimşir, ۲۰۰۸: ۶۵). در واقع عموماً نظر این بود که تطبیق و به کار بستن این طرح در مدتی کوتاه می‌تواند انجام بگیرد، حتی پیش‌بینی سفیر آمریکا برای تطبیق این طرح بیشتر از همکار انگلیسی‌اش و ۱۵ سال بود. وقتی که آخرین شکل الفبای جدید صورت نهایی به خود گرفت، از سوی فالح رفقی آتای، عضو هیئت الفبا و نماینده شهر بلو در ۱ اوت در کاخ دلمه باغچه به آتاترک ارائه شد. این دیدار را از زبان وی عیناً نقل می‌کنیم: «طرح را در دلمه باغچه به آتاترک ارائه کردم، وی آن را به مدت طولانی مطالعه کرد و پسندید و به من گفت که: برنامه شما در مورد تطبیقات جدید در مکاتب و مردم چقدر طول می‌کشد؟ جواب دادم: همکارهای

۱. Sir George Clerk

ما این مدت را بین ۵ و ۱۰ سال پیش‌بینی کردند. اولاً روزنامه‌ها صفحه را دو قسمت خواهند کرد، در یک قسمت خط قدیم و در یک قسمت خط جدید استفاده خواهد شد و بعداً به تدریج تمام متون به خط جدید تبدیل خواهد شد... وی گفت: یا در سه ماه یا هیچ! با دهن باز، پرسیدم: سه ماه؟! وی گفت: پسر، اگر چنین باشد هرکس قسمت خط قدیم را می‌خواند. اگر در این مدت نیز جنگ به وجود آید، عقب‌ماندگی خط ما نیز مانند خط انوری می‌شود. (Atay, ۱۹۵۳: ۷۱۹) این تصمیم آتاترک هرچقدر حیرت‌انگیز بود، اما تاثیرگذار نیز بود؛ چرا که انتظار نمی‌رفت در آن زمان چنین نسبت به این عمل موافقت همگانی بروز کند. بعدها این اقدام از طرف مخالفانش با شعار «در یک شب به جهلا تبدیل شدیم»، خوانده شد و هنوز هم می‌شود. آتاترک تصمیم گرفت که این اقدام بزرگ و در عین حال نگران‌کننده برای جمهوریت جوان را نه در آنکارا که در استانبول و در پارک گلخانه، شخصاً به مردم معرفی کند. البته انتخاب این مکان انتخابی جالب بود؛ در سال ۱۸۳۹م. «فرمان تنظیبات» یا «خط همایون گلخانه» نیز در همان جا و از سوی وزیر اعظم مصطفی رشید پاشا خوانده و دولت اولین بار در راه تجدد، سیاست خود را به مردم معرفی کرده بود. سخنرانی آتاترک در ۹ اوت ۱۹۲۸م. انجام شد:

«... دوستان، برای نوشتن زبان زیبایمان حروف ترکی را می‌گیریم. مجبور هستیم که خودمان را از نشانه‌های بی‌معنی و نافهمیدنی که برای سده‌ها سر ما را در چارچوبی آهنین نگاه می‌داشتند آزاد کنیم. می‌خواهیم که زبان خود را بفهمیم. با این حروف جدید در کوتاه‌ترین مدت خواهیم فهمید. من از این مطمئن هستم، شما هم مطمئن باشید. ... شهروندان، حروف جدید ترکی را زود یاد بگیرید، به همه ملت، به روستایی، به حمال، به قایق‌کش، به چوپان یاد بدهید. این وظیفه ملی شماست. در هنگام انجام این وظیفه، فکر کنید که اگر هشتاد درصد یک ملت نتواند بخواند و بنویسد، این چه عیب بزرگی است، آدم باید از این حال خجالت بکشد... باید اشتباهات گذشته را از ریشه پاک کرد. ما این اشتباهات را تصحیح خواهیم کرد. من می‌خواهم که در این روند همه شهروندها مشارکت کنند. در نهایت همه ملت ترک در ظرف یک یا دو سال حروف جدید را یاد خواهند گرفت و با این حال ملت ما نشان خواهد داد که با فکر و خط خود در سمت دنیای متمدن است.» آتاترک در این سخنرانی با اطمینان از خود می‌گفت که حروف جدید قبول می‌شود نه «قبول خواهیم کرد.» (Atatürk'ün Söylev ve Demeçleri I, ۲۰۰۶: ۲۷۲) بعد از این سخنرانی صدای مخالفان پذیرش حروف لاتینی شنیده نشد؛ حتی خیلی از این‌ها نظرشان را «عوض» کرده

بودند. (Şimşir, ۲۰۰۸: ۱۶۶) این نیز نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین عناصر تغییر الفبا ارادهٔ سیاسی است و بدون ارادهٔ سیاسی چنین تغییر بزرگی امکان‌پذیر نیست. بعد از این سخنرانی علی‌رغم اینکه قانون تغییر الفبا هنوز در مجلس قبول نشده بود، تطبیق حروف جدید در کشور شروع شده بود. تبلیغات حروف جدید در سراسر ترکیه توسط روزنامه‌ها، سازمان‌های گوناگون و خود رئیس‌جمهور آتاترک انجام می‌شد. در نهایت، در ۱ اکتبر ۱۹۲۸ م. تغییر الفبا با تصویب قانون در مورد قبول و تطبیق حروف ترکی از طرف مجلس اجرا شد.

نتیجه

مقاله حاضر به دنبال بررسی سیر مسئلهٔ تغییر الفبا در ترکیه برآمد. از این رو با اتخاذ رویکردی توصیفی و بهره‌گیری از منابع مختلف در جهت بررسی ابعاد مختلف مسئله فوق‌الذکر گام برداشت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بحث تغییر الفبا در ترکیه ریشه در تکاپوهای اصلاحی دارد که از اواخر قرن ۱۸ م. در عثمانی آغاز شده و از اواسط قرن ۱۹ م. با فرمان تنظیمات، سرعت بیشتری گرفت. این پژوهش نشان داد که بحث تغییر الفبا موجب به وجود آمدن دو گروه موافق و مخالف شده بود. در گروه موافقان که خود به دو دسته تقسیم می‌شدند، بعضی طرفدار تغییر کلی الفبا و بعضی خواستار اصلاح آن بودند. در برابر اینها گروهی از محافظه‌کاران بودند که با هر گونه تغییر در الفبا مخالفت می‌کردند.

در عثمانی و تا پیش از دورهٔ جمهوریت، تلاش‌هایی برای تغییر الفبا انجام شده بود که مهم‌ترین آنها خط ابداعی انور پاشا وزیر جنگ کابینه اتحاد و ترقی بود. اما این خط به دلیل مشکلات زیادی که داشت مورد استقبال قرار نگرفته و منسوخ شد تا اینکه پس از الغای امپراتوری عثمانی و در اوایل دورهٔ جمهوریت، آتاترک با جدیتی که در این امر نشان داد توانست به جای الفبای عربی، الفبای لاتینی را جایگزین کند. وی در این راه از تجربهٔ تلاش‌های قبلی برای تغییر الفبا و کمیسیون الفبا که بدین منظور تشکیل شده بود، بهره برد.

کتابشناسی

Asım, Necib (1312). Musavver Malumat, İstanbul, Ağustos.

Atay, Falih, Rıfki (1953). "Yeni Yazı", Türk Dili, C:II, S: 23, Ağustos.

Berkes, Niyazi (2012). Türkiye'de Çağdaşlaşma, İstanbul: Yapı kredi Yayınları, 18. Baskı.

Cahid Hüseyin, "Arnavut Hurufatı", Tanin, No: 496-28, 20 Kanun-i Sani 1336.

Çatalbaş, Resul (2014). "Milaslı Dr. İsmail Hakkı'nın Hayatı, Eserleri ve İslam ile İlgili Görüşleri ", Artuklu Akademi, C:1, S:1, ss. 99-129.

Davison, H. Roderic (2004). "Osmanlı İmparatorluğu'nda Elektrikli Telgrafın Kurulması", Osmanlı Türk Tarihi 1774-1923, Çev: Mehmet Moralı, İstanbul.

Duran, Recep, (1986). " Mehmet Tahir Münif Paşa, Hayatı, Felsefesi", Erdem, S:2, ss. 801-850.

İnceoğlu, Samime (2008). " Münif Paşa: İntişar-ı Ulum-u Marife Adanmış Bir Ömür ", Türkiye Araştırmaları Literatür Dergisi, S: 12, ss. 629-652.

Karabekir Paşa, Kazım, "Latin Harfini Kabul Edemeyiz"Hakimiyet-i Milliye, 5 Mart 1923.

Karakuş, Sadık Emre, (2008). "Enver Paşa'nın Yazı ve Alfabe Denemesi: Ordu Elifbası", Tarih Okulu Dergisi, S: 36, ss. 443-484.

Kayıran, Mehmet (2019). "İzmir İktisat Kongresi", Eskişehir Osmangazi Üniversitesi Türk Dünyası Uygulama ve Araştırma Merkezi Yakın Tarih Dergisi, C: 2, S: 5, ss. 27-70.

Komasyon (2006). Atatürk'ün Söylev ve Demeçleri I, Ankara: Atatürk Kültür, Dil ve Tarih Yüksek Kurumu, 5.Baskı.

Öztürk, Kazım (1995). Türk Parlamento Tarihi: TBMM III. Dönem, Ankara: Tbm Yayınları.

Seydi, Ali (1924). Latin Hurufu Lisanımıza Kabil-i Tatbik midir?, İstanbul: İkdam Matbaası.

Şimşir, Bilal (2008). Türk Yazı Devrimi, Ankara: Türk Tarih Kurumu Yayın-

ları, 2.Baskı.

Tansel, Fevziye Abdullah (1953). "Arap Harflerinin Islahı ve Değiştirilmesi Hakkında İlk Teşebbüsler ve Neticeleri ", Belleten, S: 66, ss. 223-249.

Tansu, Yunus Emre. " Osmanlı İmparatorluğu'nda Batıcı Düşünce Çerçevesinde Dr. Abdullah Cevdet Ve İctihad Dergisi", Tarih ve Gelecek Dergisi, C: 4, S: 1 ss. 113-142.

Türkiye Büyük Millet Meclisi Zabıt Ceridesi (TBMMZC) (1924). D: 2, C: 6, Ankara, Şubat, s. 335.

Unat, Faik Reşit (1953). " Latin Alfabesinden Türk Alfabesine", Türk Dili, C: II, Sayı: 23, ss. 715-756.

A look at the Story of Alphabetic Reforms in Turkiye

Abstract

From the end of the 18th century and then with the Ottoman Empire's entry into the Tanzimat era, reforms took place in the political, cultural, military, and economic spheres. As a result, many debates about these reforms emerged. Among the most controversial of these debates was the question of reforming or changing the alphabet, which the debate continues so far. The current study by examining the course of the alphabet change in Turkey from the end of the Ottoman times to the beginning of the Republic seeks to identify the critical and influential factors of the alphabet change in Turkey and reveal the historical process of this issue. According to this research, the Ottoman elites from the middle of the 19th century realized the need to change the alphabet and many debates occurred about the alphabet. With the abolition of the Ottoman Empire and the establishment of the Republic of Turkey, the issue of changing or reforming the alphabet has received more attention and was personally pursued by himself Ataturk, president of the newly established Republic of Turkey. And on 1 November 1928 with the passing of the “ Law on the Adoption and Implementation of the Turkish Alphabet “ the Alphabetic revolution took place.

Keywords:

reform, alphabet, Turkiye, Ottoman Empire, Ataturk